

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@afgazad.com](mailto:afgazad@afgazad.com)

Political

سیاسی

خیلواک

۰۸.۱۱.۰۹

## دیده درایی یا قهرمانی؟

وقتی چشم درسایت کابل پرس به عنوان "تاخت و تاز بر ملالی جویا از چپ" خورد توجهم را به خود کشاند که وارد عمق مطالب آن شوم و دیدم که آقای مصباح به دفاع از ملالی جویا در برابر نوشته های لمبه توضیحاتی ارائه داشته که خواننده را وامیداشت تا جانب مقابل را دریافته و مطالب هردو جناح را خوانده و قضاوت نماید.

همین بود که به دنبال نوشته لمبه به پرس و پال پرداختم تا اینکه آنرا در پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" یافتم به خاطر درک عمیق مطالب، نوشته های هردو جانب را پرینت کرده و در مقابل هم قراردادم تا بتوانم نظراتم را در مورد روشن تر بنویسم، همین که یافتم که خانم جویا نه به حیث یک فرد بلکه به صورت یک جمع کارش را پیش میبرد مرا در هم پیچید که به خاطر تعمق به سایت ملالی جویا مراجعه نمایم که محترم/ محترمه لمبه در رابطه به گرفتن مدال های وی بحثی را به راه انداخته و این درد نه تنها یک فرد که جمع را نیز فرا گرفته که واکنش های جدی آقای مصباح را برانگیخته که وی در واقع از روی نوشته هایش معلوم میشود که یکی از هواداران وی میباشد که مدال گرفتن وی را "درواقع ضربه های به دشمنان مردمش وارد نموده" پنداشته که من فکر میکنم با گرفتن همچو مدال ها از کشورهای متجاوزین اروپایی که چکمه پوشان آنان هر روز برگرد و گلوی مردم ماسوارند نه تنها ضربه که در حقیقت همجواری و همسویی نمودن آنها با متجاوزین می باشد و هم چنان به نظرم که فرد آگاه و خیره به جای اینکه مشعوف نخواهد گردید در خاک فرو خواهد رفت که چگونه فرق بین دوست و دشمن را باید نمود.

خصوصاً کسانی که خود را نماینده و طرفدار مردم مینداشتند از کشورهای حامی تجاوز بر ملک شان مدال گرفته و سردرگم میسازد که آیا گرفتن مدال از دشمنان چه گوارا و دشمنان سلب آزادی چگونه میتواند توجیه شود و افتخار آفرین باشد؟

در قسمت دیگر آقای مصباح از گرفتن ملالی جویا به پارلمان دست نشانده حرف به میان می آورد که بتواند از همین تریبون "ماهیت مافیایی و ضد مردمی" این پارلمان را افشاء نماید که در واقع اگر دقیق به تاریخ بنگریم هیچ یک از حامیان مردم در یک همچو پارلمان که دارای ماهیت ضد مردمی بوده شرکت نکرده چنانچه تاریخ عدم شرکت حامیان مردم در دروسیه در زمان بلشویک ها و عدم شرکت روشنفکران افغانستان در زمان دهه دموکراسی

درکشور خود ما شاهد آن است، چون میدانستند که پارلمان دارای ماهیت ضد مردمی به آنها اجازه نخواهد داد تا به نفع مردم کار و قانون وضع نمایند.

در قسمت های اخیر مصباح جان از سکوت ملالی جويا در برابر تعريف و توصيف سيستاني ياد آوری نموده که خوب است يك نظر گذرای به آن داشته باشیم : بين آقای مصباح در وقت فعلی نه تنها خلق و پرچم مارهای مرده نیستند که آنان از همه گزنده تر کمر به شیدای و جاسوسی بسته و برای عمال خارجی ها درکشور کار میکنند در واقع آنهایی راکه شما نامبرده اید مثل ربانی، خلیلی، عبدالله، سیاف، فهیم و دوستم موش های مرده اند که در لانه زمستانی شان خزیده در جستجوی پناهگاه اند.

باز هم به گفته لمبه وقتی يك خلقی و یا پرچمی و یا کدام مرجع فاشیستی دیگر در توصیف يك فرد صفحاتی را سیاه میسازد باید يك وجه مشترك داشته باشد ورنه در توصیف چه گوارا قهرمان آزادی، خلق و پرچم یا کدام مرجع فاشیستی يك سطر نمی نویسند.

بالحترام